



۲۰۱۹/۰۴/۱۴

عبدالقیوم میرزاده

یک جای کار می لنگد



اخبار داخلی کشور ما افغانستان و اخبار آژانس های بین المللی امروز دوازدهم اپریل ضمن عنوان های درشت در باره خارج شدن نام های تروریستان طالب از فهرست تروریستی یا لیست سیاه سازمان ملل متحد مطالبی را به نشر سپرده اند. در خبر تذکر داده شده است که نام این تروریستان به صورت مؤقت برای چند ماه از لیست سیاه تروریسم کشیده می شود. و "ذبیح الله مجاهد" سخنگوی طالبان به رسانه ها همچنان گفته است که برای طالبان وعده داده شده تا نام های این افراد بعداً به صورت دایم نیز از این لیست سیاه خارج گردد.

این چه نیرنگ است؟

- آیا این ممکن است که کسی امروز تروریست باشد یعنی برای مقاصد سیاسی، مذهبی و ایدئولوژیک خویش با استفاده از خشونت، وحشت، دهشت، رعب و ترس را در میان مردم سبب شده و توسط اعمال تروریستی چون بم گذاری، حملات انتحاری و حملات مسلحانه آدم های بیگناه را بدون کدام جرم و بدون کدام حکم محکمه به قتل رسانیده باشد و فردا این کس تروریست نباشد؟ و یا به صورت مؤقت تروریست شود و به صورت مؤقت تروریست نباشد؟
- آیا مردم انفجارات مرگبار شهر کابل چون دهمزنگ، چهارراهی زنبق، پل محمود خان، شاه شهید، شفاخانه چهارصد بستر، چهارراهی صدارت جوار وزارت داخله، شهرنو مقابل تانک تیل شهرنو، چهارراهی مکروریون، پل آرتل، پوهنتون امریکایان در دارالامان، هوتل سپوژمی قرغه، سرویس های مأمورین وزارت دفاع ملی و تلویزیون طلوع، انفجار میدان شهر، حمله انتحاری بر قطعه ۲۰۹ شاهین شهر مزار شریف، سنتدیوم ورزشی شرنند مرکز ولایت پکتیکا، انفجارات پیپی در ولایت ننگرهار و لغمان، انفجارات مرگبار هلمند، قندهار، هرات، خوست و سائر نقاط افغانستان و حملات وحشیانه تروریستی در ولایات قندز، غزنی، فاریاب، بدخشان و سائر محلات و قطعات نظامی را که در نتیجه ده ها هزار انسان بیگناه این کشور قربانی شده است مردم فراموش کرده اند. اگر مردم جهان فراموش کرده اند ولی مردم افغانستان آنرا فراموش نمی کنند و همین اکنون که سازمان ملل متحد این آدم کشان حرفویی را از لیست تروریسم خارج ساخته است هم این سلسله انفجارات در افغانستان جریان داشته و ذبیح الله مجاهد مسؤولیت این آدم کشی ها را به عهده میگیرد.

گرچه در سیاست های کج دار و مریز قدرت های بزرگ و مؤثریت این قدرت ها بالای سازمان ملل متحد تا کنون در جهان کدام تعریف مشخصی از تروریسم ارائه نگردیده است اما سازمان ملل متحد بر اساس نظریات الکس بپ . شمیت پژوهشگر و استاد پوهنتون لایدن هالند که مدتی مسؤلیت بخش مطالعات فعالیت های تروریستی را در اداره ملل متحد عهده دار بود تروریسم را چنین تعریف میکند:

تروریسم یعنی شیوه ایجاد وحشت توسط اقدام خشونت آمیز مکرر توسط افراد، گروه ها یا بازیگران دولتی، مخفی یا نیمه مخفی به دلایل سیاسی، جنایی و غیر عادی در جایی که اهداف مستقیم، اهداف اصلی نیستند - بر خلاف ترور که هدف مستقیم هدف اصلی است - قربانیان انسانی چنین خشونتی اغلب بطور تصادفی بر حسب فرصت و یا گزینشی از میان جمعیتی از مردم هدف انتخاب می شوند و به عنوان مولد های پیام رسانی عمل میکنند. یعنی اجرای یک عمل خشونت بار برای ارباب افکار عمومی و تولید وحشت و همگانی کردن این پیام در میان همه باشندگان یک محدوده جغرافیایی و یا کشور را تروریسم عنوان می کنند. توضیح بیشتر در باره تروریسم و اینکه چرا تا کنون تعریف معینی از تروریسم ارائه نمی شود در بحث حاضر نمی گنجد و مستلزم یک بحث مفصل جداگانه می باشد. اما اینکه چرا قدرت های بزرگ ایالات متحده امریکا، فدراتیف روسیه، کشور های اروپایی، سازمان ملل متحد و سایر کشور ها و سازمان های بین المللی خون بهای مردم ما را به بازی گرفته اند و همه دانسته با سرنوشت مردم ما بازی میکنند؟ سوالی است که باید ذهن هر هموطن ما را عمیقاً به خود معطوف دارد.

همان طوری که ایالات متحده امریکا در طول نژده سال بعد از لشکر کشی اش به افغانستان تعریفی قابل قبولی خاصاً در کشور ما برای تروریسم ارائه کرده نتوانست پیوسته هم به نعل زد و هم به میخ.

از زمان ریاست جمهوری رونالد ریگن (۱۹۸۱ - ۱۹۸۹) ایالات متحده امریکا برای مقاصد استیلاگرانه و پیشبرد جنگ سرد در مقابل اتحاد شوروی آنزمان پاکستان را منحصی متحد ستراتیژیک و همپیمان نظامی اش در پیمانهای سنتو و سیاتو در جنوب آسیا با سرازیر ساختن میلیارد ها دالر تقویت و تجهیز کرده و برای مقابله با اتحاد شوروی و افول کمونیزم بود که نیروهایی را از میان فراریان و مهاجرین افغانی که در خاک پاکستان به همین منظور برای شان کمپ های رهایشی ترتیب و تعیین شده و زمینه های فرار شانرا مساعد ساختند، زیر نظر سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI زیر رهبری چند اسلامگرای معتقد به اسلام سیاسی و مخالف هر نوع برابری حقوق انسانی اتباع مخصوصاً حقوق زنان که مخالفین سر سخت پیشرفت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک در کشور ما هم بودند تعلیم و تربیه و تجهیز کرده و به شیوه های متعارف تروریستی علیه افغانستان و مردم بیگناه ملکی استفاده کردند که در نتیجه این فعالیت های تروریستی حدود نزدیک دو میلیون انسان وطن ما اعم از زن، مرد و اطفال کشته شدند و نزدیک سه میلیون انسان معیوب گردید. ولی جهان و جهانیان هیچ تعریفی مشخصی از این تروریسم ارایه نکرده حمایت کنندگان بین المللی این تروریسم و گردانندگانش چون سازمان استخبارات نظامی پاکستان و غلامان سیه روی آن که از نام جهاد سوء استفاده کردند هنوز هم عطش شان از آشامیدن خون انسانهای سرزمین ما فروکش نکرده و هنوز هم به کمک حمایت گران منطقوی و بین المللی شان برای مردم ما تعیین سرنوشت میکنند. وضع به همین منوال بوده است.

متعاقباً هیولای دیگری را به نام طالب که افسارش محکم تر از مجاهد در دست سازمان استخبارات نظامی پاکستان قرار داشت در گام نخست به کمپنی های نفتی یونیکال و برایداس به اجاره دادند و با ارزیابی نتایج کار این گروه

های تروریستی در غصب ولایات کشور و اداره محلات تسخیر شده، پاکستان قدرت کامل بر سرنوشت مردم ما را بدست این گروه های اهریمنی غلام بچه های ISI سپردند و همه مردم را اعم از زن و مرد از همه حقوق انسانی محروم ساختند بازهم تا انفجار بت های بامیان صلصال و شهنامه هیچ کشوری و هیچ سازمانی در جهان نه آنها را محکوم کردند و نه جلو این همه فجایع را گرفتند تا اینکه انکشافات اوضاع در جنوب آسیا و قرار گرفتن پاکستان در دهلیز اقتصادی چین و رشد مؤثریت سازمان شانگهای در حوزه جنوب آسیا ایالات متحده امریکا و متحدین ناتو اش را به این باور رساند تا از طریق لشکر کشی به افغانستان بی صاحب وسایل فشار بر کشور های منطقه را در دست خود بگیرند، یعنی اینکه نه تنها مردم کشور ما در این زمینه هیچ نقشی نداشتند بلکه آن دایه های مهربان تر از مادر هم نه بخاطر مردم ما به اینجا یورش بردند. حالا نوبت رسیده به سازمان القاعده و دخترش داعش که کسی تا کنون از القاعده را نه قاعده اش را دیده و نه نا قاعدگی اش را ولی همه روزه سازمان های جدیدی را تولد میکند بگوش ما میرسانند که فقط چند عنصر مجهول الهویه را همسان ملای لنگ به رهبری سازمانی خود میگذارند که حتی کشور زیر فعالیت اش از آن خبر ندارد ولی رسانه ها از گاهی کوهی ساخته و با این شهرت اخباری همان است که مصاف پیش قراولان آغاز گشته و این سازمان را چنان هیبتتاک و هولناک معرفی میکنند که همه مردم جهان را ترس آن فرا میگیرد و هی میگذرد و غارت میکند، انفجار انتحاری میکند و صدها و هزاران را به خاک و خون میکشاند، کشور هایی را که منافع حیاتی امریکا و هم پیمانانش را تأمین میکند با این سلسله فعالیت های تروریستی بی ثبات ساخته و ماهیگیران از آن آب گل آلود به صید می پردازند ولی با این همه پیشرفت های تکنالوژیک، کنترل های شدید مرزی میان کشور ها و کنترل ها و سانسور های مراودات بانکی اشخاص و مؤسسات چرا هیچکس راجع به تمویل کنندگان مالی و تسلیحاتی این گروه های، تروریست، دهشت افکن و ضد انسانی که چون اردوی بزرگ مجهز با انواع تسلیحات و تشکیلات می باشند نمی پرسد، هیچ ژورنالیستی در زمینه علاقمند آگاهی نیست و هیچ مؤسسه تحقیقاتی به این ایبیدی بزرگ ضد انسانی که روزانه جان صد ها و هزاران را در سراسر گیتی میگیرد توجه ندارد. این چه حکمتی است؟ و آن داعشی که نامش بصورت مخفف از "الدولته الاسلامیه فی العراق و الشام" یعنی دولت اسلامی عراق و سوریه میباشد و برنامه شان نیز برای سوریه و عراق تدوین گردیده است در افغانستان چه میخواهد؟ اینجا را به اشتباه آدرس گرفته اند و یا توطئه دیگری در کار است؟ حالا نماینده وزارت خارجه امریکا با طالبان مذاکره میکند تا آنها از افغانستان بالای امریکا حمله نکنند.

این پرده های نمایشی چقدر مضحک و مسخره است. این جهانخواران با این بازی های مسخره شان نه تنها تمامیت ارضی ما را به مخاطره انداخته و حاکمیت ملی ما را بی اعتبار ساخته اند بلکه با سرنوشت ملت ما بازی کرده و خون بهای میلیون ها انسان این سرزمین را که در ورای همین سیاست های تجاوز گرانه ریخته شده هم به اهانت و بازی گرفته اند. گرچه "مایک پمپو" وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا بتاريخ ۹ اپریل در پاسخ به سوالات "لیندسی گراهام" رئیس کمیته تخصیص بودجه مجلس سنای امریکا تا حدودی به نقش دولت افغانستان در مذاکرات نماینده امریکا با طالبان و خصوصیت های تروریستی این گروه امیدواری هایی را ایجاد کرده است که در اینجا قسمتی از این پرسش و پاسخ ها را خالی از مفاد نمیدانم.

رئیس کمیته تخصیص بودجه مجلس سنای امریکا لیندسی گراهام از آقای پمپئو پرسیده که "وقتی به مسئله افغانستان می‌رسیم، آیا می‌توانید به این کمیته و جهان اطمینان دهید که دولت افغانستان مشارکت معنادار در هر نوع معاهده صلح خواهد داشت؟"

وزیر امور خارجه امریکا پاسخ داده است که "بیشتر از آن، آنها (دولت افغانستان) در مرکز قرار خواهند داشت. این مذاکرات به رهبری افغان ها خواهد بود."

آقای گراهام از وزیر امور خارجه امریکا همچنین پرسیده است که "آیا نتیجه (مذاکره با طالبان) صلح با حفظ کرامت برای زنان افغانستان خواهد بود؟"

آقای پمپئو جواب داده است که "این درست است، همچنان اطمینان داشته باشید که منافع ضد تروریستی امریکا نیز حفظ خواهد شد." همچنین از وزیر خارجه امریکا پرسیده شده که "اگر ما طالبان را دوباره در جامعه افغانستان ادغام کنیم، این کار بر اساس شرایط ما (امریکا) انجام می‌شود، نه آنها (طالبان)." وزیر خارجه امریکا پاسخ داده است "بله، درست است."

کمیته تخصیص بودجه مجلس سنای امریکا در حالی وزیر امور خارجه این کشور را احضار کرده بود که روز سه شنبه مؤرخ نهم اپریل تعدادی از اعضای کمیته روابط خارجی پارلمان امریکا نیز نسبت به عدم شفافیت در مذاکرات صلح امریکا با طالبان، انتقاد کرده بودند و گفته بودند که آقای پمپئو به زلمی خلیل‌زاد، نماینده خاص این کشور در امور صلح افغانستان اجازه نمی‌دهد که جزئیات مذاکرات صلح با طالبان را، با اعضای کمیته روابط خارجی پارلمان در میان بگذارد.

اعضای این کمیته در نامه ای به آقای پمپئو از او خواسته بودند که بعد از بازگشت زلمی خلیل زاد به امریکا، در مدت هفت روز او باید به کمیته روابط خارجی پارلمان حاضر شود و در رابطه به مذاکرات صلح با طالبان، پاسخ دهد. همچنان طرح‌های ارائه شده از جانب فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و تأکیدات وزرای خارجه اتحادیه اروپا مؤرخ ۸ اپریل رویکرد‌های مثبتی است که در برخورد‌های بین‌المللی در قبال افغانستان ایجاد می‌گردد اما این همه مسائل و دل‌واپسی‌ها در راستای منافع ایالات متحده امریکا و اروپا است که انکشاف میکند، برای تأمین منافع مردم و کشور ما کدام گزینه‌ها، راه‌ها، ذرایع و وسائل مؤثر و مفید پنداشته میشود این را باید دولت افغانستان بر اساس خواست مردم کشور تعیین کند نه اینکه دیگران برای ما تعیین تکلیف کنند امروز بر طبق ستراتیژی‌های شان افراد، گروه و یا گروه‌هایی را تروریست قلمداد کنند و فردا بر طبق همان اصل آنها را از لیست تروریست خارج کنند و ما همه چون کتله منفعل نقش ناظر را ایفا کرده و منتظر مقدرات خویش باشیم. این همه بازی‌ها با سرنوشت مردم ما در حقیقت امر ناشی از بی‌توجهی و مسؤلیت‌ناپذیری شعبات حکومت، عناصری در رهبری دولت و مردم ما در برابر این همه تجاوزات و نارواها و عدم اتحاد و همبستگی همه ساکنین این سرزمین در امر تأمین منافع ملی میباشد. گرچه در شرایط حاضر خوشبختانه روزه‌های امید برای سمت‌دهی مسائل ملی کشور در راستای منافع ملی ما باز شده است و اقدامات که از جانب دولت، سازمانهای سیاسی و اجتماعی و نخبگانی که در این راستا جریان دارد مایه امیدواری بوده و فردای بهتر را نوید میدهد.

اخیراً محترم ملک ستیز شخصیت با درک بلند تخصصی طرحی را در باره مذاکره با طالبان ارائه کرده اند که من نه تنها آنها بحیث یک طرح تخصصی چون اساس خوب برای مذاکرات تایید میکنم بلکه آنها بهترین انتخاب برای

پیشبرد مذاکرات جانبین مسائل افغانستان می پندارم، خالی از مفاد نخواهد بود غرض پخش و اشاعه بیشتر این طرح و تکمیل آن با نظریات دانشمندان سایر آگاهان امور رو نویس آنرا در اینجا بیآورم:

شان «دولت» را حراست کنیم.

وقتی طالبان که چهره روشنی از مزدوری و وحشت به مردم ما و جهانیان به نمایش گذاشته اند اعلام می دارند که نمایندگان دولت را برای مذاکرات نمی پذیرند، به چه معنا است؟

خواهش می کنم لحظه ای کرزی، غنی و عبدالله را فراموش کنید.

دولت نمادی از ارزش های رعایاست است. بدون دولت، رعیت و بدون رعیت، دولت شکل نمی گیرد. دولت ممثل قدرت و اقتدار باشندگان یک سرزمین است. دولت بانی حقوق و قانون است. دولت فلسفه مشروعیت و قرارداد اجتماعی است. دولت تصویر کلانی از فرهنگ جمعی ماست. دولت سنگ، خشک، جنگل، معادن، آب و هوای ماست. دولت مادر، پدر و فرزندان ماست. دولت نفس های جنبنده در پیکره جامعه ما است. بالاخره دولت رهبر سیاسی میهن ما است.

دولت، نمادی از کلاه کرزی، فریادهای غنی و ژست های عبدالله نیست. دولت را کوچک نسازیم. چگونه ممکن است که طالبان این گروه تبه کار با وساطت پاکستان، سعودی و گروه های استخباراتی شیخ نشینان امارات و قطر اعلامیه پخش کنند و نمایندگان دولت را برای مذاکره به رسمیت نشناسند و ما در سوگ این دستاورد از دست رفته اشک ریزیم.

پاکستانی ها شان دولت افغانستان را به پای سگان می ریزند. به باورم لابی گری و دهن کجی در برابر طالبان از سوی دولت خواست پاکستان را به واقعیت تبدیل می کند.

۱- من این طرح را پیشنهاد می کنم: ما باید شهادت آن را داشته باشیم که مرکز مذاکرات سیاسی را کابل، قندهار، هرات و یا مزار شریف پیشنهاد کنیم. این شهر ها صدها بار از دید ژئوپولیتیک با اهمیت تر از دوحه، ریاض و یا جده هستند.

۲- امریکا حاکمیت و اثر گذاری بزرگی بر پاکستان، عربستان، قطر و طالبان دارد. دولت با ارائه تضمین بین المللی اصل «به رسمیت شناسی مذاکره» را مطرح کند. در این جا بهانه طالبان مبنی بر رسمیت شناسی دولت افغانستان مرفوع می شود. این اصل سبب می شود که گروه های تخصصی بی طرف در زمینه مذاکرات صلح از دولت های با اعتدال جهان دعوت شوند تا مدیریت مذاکرات را به عهده گیرند.

۳- افغانستان قربانی، منبع و دلیل برای جنگ و صلح است. از این رو از ساختار «محافظین صلح» سازمان ملل متحد که به نام «کلاه آبی ها» معروف هستند درخواست شود تا امنیت مذاکرات را با تضمین های بین المللی طرفین برقرار سازند. یوناما می تواند در زمینه دهلیزی برای این هماهنگی باشد.

۴- دولت افغانستان طرح قطع نامه ای را از شورای امنیت سازمان ملل متحد تقاضا کند تا دولت های عضو دایمی این شورا به سان امریکا، روسیه، چین، انگلستان و فرانسه که نمایندگان فعال و رسمی در افغانستان دارند و بازیگران مهم روند مذاکرات هستند آن را به تصویب رساند. در این قطع نامه پیش شرط های اساسی برای تضمین روند صلح از سوی ایران، پاکستان، هند و آسیای میانه تعیین گردد.

۵- اتحادیه اروپا نهاد تخصصی برای حراست از امنیت دارد. این نهاد مأموریت جهانی نیز دارد. اتحادیه اروپا دارای نمایندگی فعال و بزرگی در کابل است. باید از این نهاد که منابع و اثرگذاری کلانی در جهان و منطقه دارد تقاضا

کرد تا این روند را حمایت کند و برای مرکزیت صلح پروری در داخل افغانستان با اعضای این اتحادیه همگرایی خلق کند.

ما نباید بدون هیچ طرحی منتظر بمانیم تا خلیل زاد، کابلوف و یا تریبون‌های استخباراتی برای ما سرنوشت و تکلیف تعیین کنند و حتی پیام وقیحانه طالبان را که نمایندگان دولت را نمی‌پذیرند به گونه‌ای اهانت بار به گوش مردم ما بگویند.

شرم است، ما از شأن دولت خود باید حمایت کنیم و نگذاریم آبروی این ملت در گرو عناصر متحجر و ستراتیژی‌های آبی اس‌آی یک بار دیگر قربانی شود. مورخ ۱۲ اپریل ۲۰۱۹ هلند



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته‌ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می‌توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف

یک جای کار می‌لنگد

mirzada_a_q_yak_jaaye_kaar_melangad.pdf

